

قاعده منع توسل به زور و حملات آمریکا و متحدانش به

سوریه در خلال سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸

احمد رضا مبینی^{۱*}، جواد مبینی^۲، پوریا اسکری^۳

چکیده

حملات متعدد ائتلاف آمریکایی به سوریه طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ که با بهانه‌جویی‌های مختلف اعم از مبارزه با داعش یا نوعی از مداخله بشردوستانه به منظور مقابله با کاربرد ادعایی تسلیحات شیمیایی صورت گرفته، تمامیت بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد را خدشه‌دار ساخته است. نظریات حقوقی مختلف و البته غیرقابل قبولی از جمله «تئوری عدم تمایل و عدم توانایی»، «تئوری بسط مفهوم دفاع مشروع دسته جمعی عراق علیه داعش در خاک سوریه»، نظریه «ابهام خلاقانه و سازنده قطعنامه ۲۲۴۹» و «تئوری رضایت ضمنی» در توجیه حملات ائتلاف به رهبری آمریکا علیه مواضع داعش در خاک سوریه طرح شده است. در خصوص حمله به آنچه تأسیسات سلاح‌های شیمیایی دولت سوریه نامیده شده، به استدلال‌هایی همچون «اقدامات تلافی‌جویانه به منظور مقابله با کاربرد تسلیحات شیمیایی»، «مداخله بشردوستانه در بستر اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی» و «تمایز میان مشروعیت و قانونی بودن مداخله نظامی» به صورت صریح یا ضمنی استناد شده است. این نوشتار به‌منظور پاسخگویی به این پرسش که «چرا حملات آمریکا و متحدانش به سوریه در خلال سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ غیرقانونی تلقی می‌شود؟»، با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی نظریات و استدلال‌های حقوقی مطرح شده در مورد این حملات می‌پردازد و این فرضیه را آزمون می‌کند که «حملات آمریکا و متحدانش به سوریه در قالب هیچ‌یک از استثنائات وارد بر بند ۴ ماده ۲ منشور یعنی مواد ۴۲ و ۵۱ قرار نگرفته و از طرفی دیگر عنصر رافع وصف متخلفانه یعنی رضایت دولت سوریه نیز احراز نشده است؛ بدین ترتیب، حملات مزبور غیرقانونی تلقی می‌شوند».

کلیدواژگان

توسعه تدریجی قواعد مرتبط با استفاده از زور، دفاع مشروع، سوریه، قاعده منع توسل به زور، داعش، قطعنامه ۲۲۴۹ شورای امنیت.

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Email: ar.mobini70@gmail.com (نویسنده مسئول).

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل،

تهران، ایران. Email: javadmobini57@yahoo.com

۳. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: pouria.askary@gmail.com

مقدمه

حملات آمریکا و متحدان این کشور به خاک سوریه به طور کلی در دو دسته: الف) حملات ائتلاف به مواضع بازیگر غیردولت داعش در خاک سوریه از ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۴ به بعد؛ و ب) حمله علیه دولت سوریه در قالب حمله ۶ آوریل ۲۰۱۷ آمریکا و حمله ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ ائتلاف آمریکا، بریتانیا و فرانسه به تأسیسات نظامی یا آنچه مراکز تولید و انباشت سلاح های شیمیایی سوریه نامیده شده، قابل بررسی است.

کشورهای مختلف در قبال حملات ائتلاف علیه مواضع داعش در خاک سوریه واکنش‌های متفاوتی نشان دادند. دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متناقض دولت‌ها و ابهامات، چالش‌ها و اختلاف نظرهای حقوقی موجود در خصوص حملات مزبور در وهله اول و در سطح کلان ناشی از مخالفت یا موافقت با روندی موسوم به «توسعه تدریجی / اوپا از منظری دیگر، تفسیر به رأی / قواعد مرتبط با استفاده از زور» در نظام حقوق بین الملل است. تصریح بند ۴ ماده ۲ منشور مبنی بر ممنوعیت عام استفاده از زور، صرفاً با دو استثنای مقرر در مواد ۴۲ و ۵۱ تخصیص خورده است و از این رو بسیاری از تلاش‌ها در راستای بازتعریف قواعد توسل به زور، بر ارائه تفاسیر موسع و قرائت‌های جدید از مواد مزبور تمرکز دارد. در سه دهه گذشته، در توجیه مداخله‌های نظامی آمریکا در کوزوو (۱۹۹۸)، روسیه در گرجستان (۲۰۰۲ و ۲۰۰۷)، آمریکا در عراق و اشغال این کشور (۲۰۰۳)، اوگاندا در کنگو (۲۰۰۳)، ترکیه در عراق (۲۰۰۸)، ناتو در لیبی (۲۰۱۱)، تجاوزات اسرائیل به غزه و اخیراً حمله هوایی به سوریه توسط آمریکا و متحدانش، مواد ۴۲ و ۵۱ منشور دستخوش تفاسیر به رأی مختلفی بوده که سؤالات و چالش‌های متعددی را در خصوص آینده بند ۴ ماده ۲ منشور در نظام حقوق بین الملل مطرح ساخته است.

این مختصر با تأکید بر اهمیت حیاتی حفظ تمامیت بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با هدف رد ادبیات مؤید قرائت مجدد از اصل ممنوعیت توسل به زور، با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی سعی دارد تا ضمن توصیف مبانی و استدلال‌های ارائه شده در خصوص توجیه حملات ائتلاف به رهبری آمریکا به مواضع داعش در خاک سوریه، تحلیل‌های حقوقی مخالف با این‌گونه توجیها را بررسی کند.

استدلال‌های مطرح شده در خصوص توجیه حملات به سوریه به نوعی بر این مباحث موجود در ادبیات حقوقی در خصوص بازخوانی قواعد توسل به زور در حقوق بین الملل است. به عبارتی دیگر، در توجیه این حملات نیز تمرکز اصلی بر تفسیر به رأی از - یا از دیدگاه کاسسه (۶۸:۱۳۷۵)، «قرائن مجدد و رقیق کردن» - مواد ۴۲ و ۵۱ منشور ملل متحد است. در توجیه حملات ائتلاف علیه مواضع داعش در خاک سوریه (که در بخش اول این نوشتار بررسی

می‌شود)، هدف «تئوری عدم تمایل و عدم توانایی» و «تئوری بسط مفهوم دفاع مشروع دسته‌جمعی عراق علیه مواضع داعش در خاک سوریه» آن است که با ارائه تفسیر به رأی از «لزوم انتساب حمله اولیه به دولت برای استقرار حق دفاع مشروع» حمله ائتلاف آمریکایی به مواضع داعش را در قالب ماده ۵۱ منشور توجیه کنند. از طرف دیگر، نظریه «بهم‌خلاقانه و سازنده قطعنامه ۲۲۴۹» با تفسیر به رأی از «لزوم صدور مجوز قانونی حمله توسط شورای امنیت براساس ماده ۴۲ منشور»، و «تئوری رضایت ضمنی یا رضایت منفعلانه» نیز با قرائتی جدید از «رضایت معتبر به‌عنوان عامل رافع مسئولیت بین‌المللی» به توجیه این حملات پرداخته‌اند. در حمله به مواضع دولت سوریه یا آنچه آن را تأسیسات تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی سوریه نامیده‌اند (که در بخش دوم این نوشتار بررسی خواهد شد) نیز به مداخله بشردوستانه بدون مجوز شورای امنیت که عامل تضعیف قاعده منع استفاده از زور و جایگاه شورای امنیت است، به اقدام در قبال خطر تسلیحات شیمیایی سوریه که قرائتی بحث‌برانگیز از ماده ۵۱ منشور است یا به اقدامات متقابل یا تلافی‌جویانه در قبال نقض کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی استناد شده است.

حملات ائتلاف به رهبری آمریکا علیه مواضع داعش در خاک سوریه

در این بخش، مبانی مبتنی بر منشور ملل متحد (بخش ۱،۱) و نظریه‌های «عدم لزوم رضایت» و «رضایت ضمنی یا منفعلانه» (۱،۲) بررسی می‌شود.

۱. مبانی حقوقی مبتنی بر منشور ملل متحد

در این قسمت، «قطعنامه ۲۲۴۹ شورای امنیت» بررسی می‌شود تا مشخص گردد که آیا قطعنامه مزبور، مجوز استفاده از زور را صادر یا نظریه حقوقی خاصی را که این گونه عملیات بر مبنای آن قرار گیرد را تأیید می‌کند؟ در ادامه، استناد به اصل «دفاع مشروع» مبتنی بر ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز که برای توجیه حملات ائتلاف آمریکایی به مواضع داعش در خاک سوریه کاربرد داشته است، بررسی خواهد شد.

۱.۱. قطعنامه ۲۲۴۹ شورای امنیت

قطعنامه ۲۲۴۹ شورای امنیت که در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۵ به اتفاق آرا به تصویب رسید، تصریح می‌دارد داعش تهدیدی بی‌سابقه و جهانی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود (S/RES/2249, 2015: para. 5) و جبهه النصره و سایر افراد، گروه‌ها و موجودیت‌های مرتبط با القاعده را نیز تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی برمی‌شمارد (S/RES/2249, 2015: para. 6).

شناسایی چنین وضعیتی با ادبیاتی دیگر در بند ۱ قطعنامه نیز به چشم می‌خورد. همچنین بند ۸، به نامه‌های دولت عراق مورخ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۴ و ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۴ اشاره می‌کند که تصریح دارند داعش مناطق امنی را در خارج از مرزهای عراق ایجاد کرده است که تهدیدی مستقیم علیه امنیت و مردم عراق محسوب می‌شود. در ادامه و در بند ۵، شورای امنیت از تمام کشورهای عضو ملل متحد که از توانایی لازم برخوردارند، درخواست می‌کند تا «وفق حقوق بین‌الملل و به خصوص منشور ملل متحد، حقوق بشر، حقوق پناهندگان و حقوق بشردوستانه» کلیه اقدامات لازم را در سرزمین‌های تحت کنترل داعش در سوریه و عراق برای توقف اقدامات این گروه تروریستی معمول دارند. قطعنامه ۲۲۴۹ در بند ۶ اعضا را فرامی‌خواند تا تلاش‌های خود را به‌منظور ممانعت از ورود تروریست‌ها و مبارزان خارجی به کشورهای عراق و سوریه شدت بخشند.

بررسی ادبیات قطعنامه ۲۲۴۹ و مقایسه آن با ادبیات قطعنامه‌های صادرکننده مجوز حمله نظامی می‌تواند در زمینه پاسخگویی به برخی پرسش‌ها در مورد این قطعنامه ثمربخش باشد. آکانه، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه آکسفورد، با توجه به نحوه نگارش قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص صدور مجوز مداخله نظامی بر این مسئله تأکید دارد که قطعنامه ۲۲۴۹ از اصطلاح «درخواست می‌کند» استفاده کرده است و نه اصطلاح «تصمیم می‌گیرد» یا «اجازه می‌دهد» (Lang, 2015: 8). مقایسه ادبیات قطعنامه ۲۲۴۹ با قطعنامه‌ای که مجوز استفاده از زور را صادر می‌کند^۱، برای مثال قطعنامه ۶۷۸ در مورد اقدام علیه عراق در جنگ این کشور با کویت، مسئله را روشن‌تر می‌سازد. قطعنامه ۶۷۸ پس از قید عبارت «اقدام تحت فصل هفتم منشور» در بند دوم، از اصطلاح «اجازه می‌دهد» جهت «انجام هر گونه اقدام مقتضی» علیه عراق استفاده کرده است (S/RES/678(1990), par.2). این در حالی است که قطعنامه ۲۲۴۹ بدون اشاره به فصل هفتم، در بند ۵ فعل «درخواست می‌کند» را برای «انجام هر گونه اقدام مقتضی» به کار برده است. بر این مبناست که مارک ولر، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه کمبریج، با اشاره به ادبیات این قطعنامه معتقد است که قطعنامه ۲۲۴۹ هیچ‌گونه مجوز حقوقی جدیدی را برای استفاده از نیروی نظامی صادر نمی‌کند (Weller, 2015).

در مقابل، برخی با اشاره به نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نامیبیا تصریح می‌کنند که عدم اشاره به فصل هفت منشور در یک قطعنامه به معنای الزام‌آور نبودن آن یا عدم قصد ایجاد اثر حقوقی در زمینه عملیاتی ساختن آن نیست (Akande & Milanovic, 2015)؛^۲ از طرفی، اگرچه قطعنامه در استناد به فصل هفتم منشور صراحت ندارد،

1. For a rigorous overview of the Council's practice in adopting Chapter VII resolutions, see: Security Council (2008), Special research report (No. 1). Available at: www.securitycouncilreport.org

۲. دیوان در سال ۱۹۷۱ در نظر مشورتی نامیبیا، در تفسیر ماده ۲۵ بیان می‌دارد که این ماده فقط ناظر بر تصمیماتی که شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور ملل متحد و مواد ۴۱ و ۴۲ آن منشور اتخاذ می‌نماید، نیست؛ در

مصرحات و روح مفاد این فصل در قطعنامه مزبور بدین ترتیب قابل مشاهده است که بندهای ۵ و ۶ مقدمه و نیز بند ۱، به صورت ضمنی، با ماده ۳۹ منشور که داعش، جبهه النصره و سایر گروه‌های تروریستی مرتبط با القاعده را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌کند، مطابقت دارد. بندهای ۵ و ۶ قطعنامه نیز اقدامات مقتضی برای مرتفع ساختن تهدید مزبور را عنوان می‌دارد. به خصوص آنکه، بخش پایانی بند ۵ قطعنامه اشعار می‌دارد: «مکان‌های امنی که داعش برای خود در بخش‌های قابل توجهی از عراق و سوریه ایجاد کرده است، نابود گردد». می‌توان گفت واژه «نابود کردن»، لزوم انجام اقدام نظامی را به ذهن متبادر می‌سازد؛^۱ به خصوص آنکه، صدر بند ۵ نیز به «اتخاذ کلیه اقدامات لازم»^۲ اشاره دارد که استفاده از نیروی نظامی نیز می‌تواند ذیل این اقدامات لازم قرار گیرد.

اما باید توجه داشت که حتی در صورت پذیرش نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی نامیبیا مبنی بر لزوم الاجرا بودن تصمیمات شورای امنیت براساس ماده ۲۵، اقدام نظامی ذیل این ماده توجیه نمی‌شود. به هر ترتیب، این مسئله کاملاً قابل تأمل است که اگر منظور قطعنامه اقدام نظامی بوده، چرا به صراحت به ماده ۴۲ استناد نکرده یا به عبارتی دیگر، به صراحت مجوز صادر نکرده است؟ از این روست که برخی صاحب‌نظران از جمله نویسندگان تالار گفت‌وگوی مجله اروپایی حقوق بین‌الملل اظهار می‌دارند: «نحوه نگارش قطعنامه ۲۲۴۹ به گونه‌ای است که حمایت شورای امنیت در زمینه استفاده از نیروی نظامی علیه داعش را به ذهن متبادر می‌سازد؛ اما اگرچه این قطعنامه و همچنین اتفاق آرای موجود در تصویب آن درجاتی از مشروعیت اقدام علیه داعش را برقرار می‌سازد، دال بر مجوز و مبنای برای اقدام نظامی علیه داعش در سوریه یا عراق نیست» (Akande & Milanivic, 2015).

بخش عمده‌ای از اختلاف نظرها در مورد قطعنامه ۲۲۴۹ ناشی از عدم تعریف دقیق عبارت «کلیه اقدامات لازم» است؛ به گونه‌ای که این قطعنامه را در معرض تفاسیر مختلف قرار داده است. در بررسی این موضوع می‌توان شرایط این قطعنامه را با قطعنامه^۳ ۱۹۷۳ در مورد لیبی مقایسه کرد. نبود تعریفی از «اقدامات لازم» در قطعنامه ۱۹۷۳ هم سبب شد تا عده‌ای با انتقاد از به کار بردن اصطلاح مذکور در قطعنامه مزبور، صدور مجوز برای کشورها مبنی بر استفاده از کلیه اقدامات لازم را به منزله دعوت به استفاده از زور به نحو خودسرانه و بی‌معنی کردن کلیه تعهدات سازمان ملل تلقی کنند (شریفی طراز کوهی و مبینی، ۱۳۹۳). در مقابل، عده‌ای

ادامه، دیوان تصریح می‌کند، اگر ماده ۲۵ منشور ملل متحد فقط در مورد تصمیماتی که براساس مواد ۴۱ و ۴۲ فصل هفتم اتخاذ می‌شود قابل اجرا باشد، در این صورت ماده ۲۵ زاید خواهد بود، زیرا چنین نتیجه‌ای به وسیله مواد ۴۸ و ۴۹ منشور به دست می‌آید. نک: (ICJ, 1971, par.113)؛ و (Hosseinnejad and Askary, 2018)

1. to eradicate the safe haven they have established over significant parts of Iraq and Syria;
2. Calls upon Member States that have the capacity to do so to take all necessary measures...
3. S/RES/1973(2011).

این گونه ابهامات و از جمله، ابهام موجود در قطعنامه ۲۲۴۹ را در قالب «ابهام خلاقانه یا ابهام سازنده»^۱ تعریف کرده و معتقدند ابهام خلاقانه قطعنامه ۲۲۴۹ به گونه‌ای است که ضمن عدم تأیید عملیات نظامی به لحاظ حقوقی، به نظر می‌رسد مؤید حمایت شورای امنیت از انجام چنین اقداماتی باشد. بدین ترتیب ساختار قطعنامه به گونه‌ای است که سبب تداوم اختلاف نظرها در زمینه قانونی بودن اقدامات نظامی است. برخی قطعنامه ۲۲۴۹ را شبیه قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ مصوب سال ۲۰۰۱ دانسته‌اند. ساختار این قطعنامه‌ها به گونه‌ای است که از عملیات نظامی حمایت سیاسی به عمل می‌آورد، ولی هیچ گونه نظر حقوقی خاصی را که چنین عملیاتی بر مبنای آن قرار گیرد، تأیید نمی‌کند و همچنین در بردارنده مجوز قانونی شورای امنیت برای اتخاذ عملیات نظامی نیست (Akande & Milanivic, 2015).

فارغ از این ملاحظات و نظر به مدت زمانی که از صدور قطعنامه ۲۲۴۹ می‌گذرد، می‌توان گفت عدم استناد طرف‌های شرکت کننده در حملات به قطعنامه مزبور برای توجیه قانونی بودن مداخلاتشان و نیز سعی آنها در جهت صدور قطعنامه‌های تکمیلی آتی که با تهدید وتو و وتوی روسیه نافرماند، شاهدهی بر عدم کفایت قطعنامه ۲۲۴۹ از دیدگاه خود غربی‌هاست.

۱. ۲. دفاع مشروع

رئیس‌جمهور وقت آمریکا (باراک اوباما) در نامه مورخ ۱۷ اوت ۲۰۱۵ به کنگره آمریکا، داعش را به‌عنوان عامل تهدید علیه نیروها و اماکن آمریکایی از جمله سفارت این کشور در بغداد ذکر کرد و ظاهراً بر حق آمریکا بر اعمال حق دفاع مشروع در پاسخ به تهدیدات مزبور صحه گذاشت.^۳ پس از صدور قطعنامه ۲۲۴۹، مایکل سیسون،^۴ معاون نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد، تأکید کرد که ایالات متحده مطابق با منشور و با شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی ایالات متحده، به انجام عملیات نظامی لازم و مناسب در سوریه مبادرت خواهد کرد (Akande & Milanivic, 2015). فرانسه هم به حق دفاع مشروع انفرادی و جمعی در خصوص حملات به مواضع داعش در خاک سوریه استناد کرد ("France May Launch" 2015) و بریتانیا به صورت مفصل‌تری، حق دفاع مشروع جمعی عراق، حق دفاع مشروع انفرادی انگلیس و نیز حق دفاع مشروع جمعی سایر کشورها را به‌عنوان استدلال‌های حقوقی عملیات نظامی خود علیه داعش در خاک سوریه عنوان کرد (Lang, 2015: 3).

1. The Creative Ambiguity (also Constructive Ambiguity)

2. S/RES/1368 (2001); S/RES/1373 (2001).

3. The White House, (2014), "Letter from the President - War Powers Resolution Regarding Iraq", Office of the Press Secretary. Available at: <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2014/08/17/letter-president-war-powers-resolution-regarding-iraq>

4. Michele Sison

در زمینه استدلالات مرتبط با دفاع مشروع انفرادی که از طرف برخی کشورها جمله آمریکا و بریتانیا به بهانه «دفاع از اتباع» مطرح شده است، «با استناد به بند ۴ ماده ۲ و ماده ۵۱ منشور و ماده ۱ قطعنامه تعریف تجاوز می‌توان گفت که دفاع مشروع وسیله‌ای قانونی برای دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشوری است که مورد تجاوز واقع شده است... از این رو حمایت از اتباع یا مأموران خود در سرزمین بیگانه (Brownlie, 1963: 29). محملی برای توسل به دفاع مشروع محسوب نمی‌گردد» (زمانی، ۱۳۷۴: ۷۵). اما باید توجه داشت که مباحثی نیز بر این مینا مطرح است که عبارت «در صورت وقوع حمله مسلحانه...» در صدر ماده ۵۱ که در زمان تصویب منشور می‌توانسته صرفاً شامل حمله گسترده علیه مرزهای یک دولت تلقی شود، با گذر زمان دچار تغییر و تحول شده و این تغییر کمی را می‌توان با عبارت «افزایش حداقل استانداردهای حمله مسلحانه» بیان کرد (الهیوی نظری، ۱۳۹۴: ۱۹۸). در هر صورت، میان دولت‌ها در زمینه «حق توسل به زور جهت حمایت از اتباع در خارج» اختلاف نظر وجود دارد؛ در این زمینه علاوه بر استناد به ماده ۵۱ منشور، برخی نیز به عرفی بودن چنین حقی معتقدند (Gray, 2008: 156-157)، ولی باید توجه داشت که ماده ۵۱ یک استثنا بر بند ۴ ماده ۲ منشور است و این یک قاعده عمومی تفسیر است که استثنائات بر یک قاعده باید به صورت محدود تفسیر شود به گونه‌ای که اصل را تحت الشعاع قرار ندهد» (آکهرست، ۱۳۷۲: ۳۳۹)؛ بدین ترتیب، استناد به دفاع مشروع انفرادی جایگاهی در توجیه حملات آمریکا یا سایر کشورها علیه مواضع داعش در خاک سوریه ندارد (Goodman, 2014).

برخی استدلالات مبتنی بر دفاع مشروع، به بسط دفاع مشروع عراق علیه داعش به خاک سوریه معتقدند و بر مبنای احراز عنصر رضایت دولت عراق برای مداخله نظامی ائتلاف، حمله ائتلاف به داعش در خاک سوریه را دفاع مشروع عراق قلمداد می‌کنند. از این رو یکی از مهم‌ترین مسائل، این است که آیا حق دفاع مشروع دسته‌جمعی عراق شامل اقدام علیه گروه تروریستی منظور نظر در خاک سوریه نیز می‌گردد؟ به عبارت دیگر، سؤال اصلی این است که آیا حق دفاع مشروع علیه یک «بازیگر غیردولت» مستقر در خاک یک کشور بدون رضایت کشور مزبور وجود دارد؟ (Stuart, 2014: 2).

بر اساس رویکرد ممنوعیت مطلق^۱ استفاده از زور، صرفاً زمانی که حمله مسلحانه قبلی علیه یک دولت رخ دهد، و حمله قابل انتساب به دولتی دیگر باشد، حق توسل به دفاع مشروع وجود دارد. در این زمینه، حمله اسرائیل به مواضع جبهه آزادی‌بخش فلسطین در تونس با این بهانه که این کشور به سازمان مزبور پناه داده است، به این دلیل که اقدام جبهه آزادی‌بخش فلسطین قابل انتساب به دولت تونس نبود، مورد انتقاد قطعنامه ۵۷۳ شورای امنیت (S/RES/573,) (1985: para.1) قرار گرفت و با همین استدلال، در سال ۱۹۹۵ جامعه جهانی عمل ترکیه در

1. Absolute Prohibition

سرکوب پکک در شمال عراق را محکوم کرد. کشورهای آمریکای لاتین نیز به صورت جمعی در قضیه حمله کلمبیا به بازیگران غیردولت مستقر در اکوادور در سال ۲۰۰۸ از نظریه ممنوعیت مطلق اقدام نظامی علیه بازیگران غیردولت مستقر در سرزمین دولت دیگر دفاع کردند. سازمان کشورهای آمریکایی نیز حمله کلمبیا را به عنوان «نقض حاکمیت و تمامیت ارضی اکوادور و نقض حقوق بین الملل» برشمرد و گروه ریو^۱ دولت‌های آمریکای لاتین نیز بیانیه مشابهی در این زمینه صادر کرد (Hakimi, 2015: 7).^۲

از دیدگاه دیوان بین المللی دادگستری، حمله مسلحانه باید توسط دولت یا از طرف دولت صورت گرفته باشد تا حق دفاع مشروع ایجاد شود (Zemanek, 2013). در قضیه برخی فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو، دیوان بین المللی دادگستری به این نتیجه رسید که هیچ‌گونه دلیل مستقیم یا غیرمستقیم متقنی گواه بر دخالت جمهوری دموکراتیک کنگو در حملات فرامرزی شورشیان مستقر در کنگو علیه اوگاندا وجود ندارد؛ از این رو اوگاندا نمی‌تواند تحت عنوان دفاع مشروع علیه کنگو به استفاده از نیروی نظامی متوسل شود (ICJ, 2005: para. 147). به هر حال، دیوان به صراحت به این موضوع که آیا حملات مسلحانه توسط بازیگران غیردولت بدون دخالت دولت سبب ایجاد حق دفاع مشروع می‌شود یا خیر، نپرداخت. در قضیه نیکاراگوئه نیز دیوان بین المللی دادگستری اظهار می‌دارد که حمله شورشیان در صورتی به منزله حمله به منزله یکی از مؤلفه‌های لازم برای استقرار حق دفاع مشروع تلقی می‌شود که شورشیان از طرف دولت اقدام کرده باشند (ICJ, 1986: para. 195).^۳ همچنین در نظر مشورتی مشروعیت ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، دیوان اشعار می‌دارد که حق دفاع از خود مندرج در ماده ۵۱ منشور در مواردی که حمله مسلحانه از طرف یک کشور علیه کشوری دیگر صورت گیرد، استقرار می‌یابد (ICJ, 2004: para. 139).

در مقابل، برخی محققان بر این باورند که قواعد موجود در خصوص حق استفاده از زور علیه بازیگران غیردولت نامشخص و مشاجره‌برانگیز است (Wilmschurst, 2006: 963-964) و عده‌ای نیز معتقدند که حجم زیادی از ادبیات موجود در این زمینه از رویه عملی بسیار فاصله گرفته است (Bethlehem, 2012: 770-773). بدین ترتیب، رویکردی بر این مبنا وجود دارد که این ادعا که «حقوق بین الملل مطلقاً توسل به دفاع مشروع در مقابل بازیگران غیردولت را ممنوع می‌سازد، جایگاه حقوقی خود را از دست داده است» (Hakimi, 2015: 5) و دفاع در برابر بازیگران غیردولت حداقل در برخی مواقع قانونی است (Reinold, 2011: 284-286). با اتخاذ

1. The Rio Group (G-Rio) is a permanent association of political consultation of Latin America and Caribbean countries.

2. See also: Ruys, Tom, (2008), "Quo Vadit Jus as Bellum: A Legal Analysis of Turkey's Military Operations against the PKK in Northern Iraq", *Melb. J. Int'l L.* Vol. 9.

۳. البته در خصوص این رأی دیوان دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، ن.ک: Hakimi, (2015), Op. cit., 5-6.

چنین رویکردی، دولت سوریه تعهد بین‌المللی خود در خصوص کنترل بازیگران غیردولت مستقر در خاک خود را رعایت نکرده و از این رو هرچند عمل داعش قابل انتساب به دولت سوریه نیست، عملکرد گروه مزبور به معنای حمله مسلحانه مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متحد است (khan, 2014) که سبب استقرار حق دفاع مشروع می‌شود.

رویه دولت‌ها در خصوص توسل به دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولت هنوز استقرار نیافته و عملیات علیه مواضع داعش در سوریه نیز نه تنها کمکی به حل این مسئله نکرده، بلکه بیشتر وجود ابهامات و عملکردهای مختلف در این زمینه را پررنگ کرده است. در حال حاضر با توجه به قواعد بین‌المللی موجود می‌توان گفت اقدام قهری علیه بازیگر غیردولت مستقر در خاک یک کشور به منزله حمله به سرزمین آن کشور محسوب می‌شود و ممنوع است. البته دولتی که در معرض حمله بازیگر غیردولت قرار گرفته است، می‌تواند از یکی از طرق قانونی (ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل متحد، درخواست از کشور محل استقرار بازیگر غیردولت جهت سرکوب آنها یا کسب رضایت دولت محل استقرار این گونه بازیگران) به منظور مداخله نظامی عمل کند.

از دیگر نظریات مطرح شده برای توجیه بسط دفاع مشروع دسته‌جمعی عراق به خاک سوریه، نظریه عدم تمایل و عدم توانایی^۱ است. بر مبنای این نظریه اگر دولتی نخواهد یا نتواند شورشیان را کنترل کند، حملات شورشیان را می‌توان منتسب به دولت محل استقرار آن گروه دانست (Brownlie, 1958: 781-783; Lubell, 2010: 30-36). نظریه عدم تمایل یا عدم توان در مسئله اقدام نظامی روسیه علیه شورشیان چینی مستقر در گرجستان در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ نیز مورد استناد برخی دولت‌ها قرار گرفت. این در حالی بود که به ظاهر دولت گرجستان اقداماتی را نیز در برابر چینی‌ها در دستور کار داشت، ولی اقدامات این کشور، مؤثر ارزیابی نشد (Van Steenberghe, 2010: 194-195). شاید واضح‌ترین مخالفت با این اقدام از طرف شورای مجمع پارلمانی اروپا در سال ۲۰۰۲ صورت گرفته باشد که بیان داشت: «ماده ۵۱ منشور استفاده از نیروی نظامی توسط روسیه یا هر کشور دیگر در خاک گرجستان را قانونی نمی‌داند» (Council of Europe, 2002, Recommendation 1580). در قضیه حمله ۲۰۰۸ ترکیه به خاک عراق به منظور دستگیری نیروهای کرد نیز استدلال عدم تمایل یا عدم توانایی مطرح شد، البته بسیاری از کشورها بدون آنکه ادعای ترکیه در توسل به ماده ۵۱ منشور جهت اقدام علیه کردها در خاک عراق را بپذیرند، سکوت کردند (Van Steenberghe, 2010: 191-193). بنابراین تاکنون رویه مشخصی در خصوص این مسئله به وجود نیامده است، از این رو به‌صراحت می‌توان گفت که این نظریه فعلاً جایگاه محکمی در حقوق بین‌الملل ندارد.

بدین ترتیب، حملات ائتلاف عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شود و در راستای مرتفع

1. The "Unwilling and Unable" Theory

ساختن وصف متخلفانه این حملات، برخی ادبیات سعی در جعل نظریه هایی -البته غیرقابل پذیرش- به منظور احراز عنصر رضایت دولت سوریه داشته‌اند که در ادامه بررسی می‌شود.

۲. نظریه‌های «عدم لزوم رضایت» و «رضایت ضمنی یا منفعلانه»^۱

رضایت، به‌عنوان وصف رافع مسئولیت، مستلزم جمع حداقل دو شرط است که بررسی آن در قضیه مورد بحث حائز اهمیت است؛ نخست آنکه رضایت ابرازشده باید رضایتی معتبر باشد و دیگر آنکه عمل انجام گرفته در چارچوب رضایت صورت پذیرد. از آنجا که شرط اول در مورد مسئله سوریه محقق نشده، بالطبع فضایی برای بررسی شرط دوم ایجاد نمی‌شود. طرفداران حمله ائتلاف به مواضع داعش در خاک سوریه، به نظریه‌های عدم لزوم رضایت و رضایت ضمنی یا رضایت منفعلانه نیز استناد کرده‌اند که به نوعی، ارائه نمونه‌های جدید و البته غیرقابل پذیرش مفهوم رضایت معتبر است که در ادامه بررسی خواهد شد.

مقامات غربی در خصوص مسئله رضایت دولت سوریه، یا از اتخاذ موضع صریح خودداری کرده یا اساساً معتقد به لزوم کسب رضایت دولت سوریه نبوده‌اند. برای مثال، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام می‌دارد: «دولت آمریکا به‌دنبال کسب رضایت رژیم سوریه نیست» (Sink, 2014). در ۴ سپتامبر ۲۰۱۴، نخست‌وزیر بریتانیا نیز اظهار داشت، بریتانیا بدون حمایت اسد می‌تواند مواضع داعش در خاک سوریه را مورد حمله قرار دهد (Wintour, 2014). البته این در حالی است که برخی مقامات ائتلاف بر لزوم کسب رضایت سوریه تأکید کردند؛ از جمله نخست‌وزیر کانادا برای همکاری با ائتلاف به منظور مداخله نظامی در سوریه، خواستار کسب رضایت دولت سوریه بود (Bolen, 2014).

در کنار «رویکرد عدم لزوم رضایت دولت سوریه» دیدگاه دیگری با عنوان «رضایت ضمنی یا منفعلانه دولت سوریه» نیز مطرح شده است. تعریف دقیق و مشخصی از مفاهیم رضایت ضمنی و رضایت منفعلانه ارائه نشده و این مسئله نیز که آیا اساساً تفاوتی ماهوی میان دو مفهوم ضمنی و منفعلانه وجود دارد یا خیر، با ابهام روبه روست. در بیانی ساده می‌توان گفت در خصوص مفهوم رضایت ضمنی، بر برخی «ظهورات غیرصریح» مقامات سوری - که البته تفاسیر متعددی می‌تواند داشته باشد- استناد کرده‌اند و در خصوص مفهوم رضایت منفعلانه، «عدم اعتراض صریح» سوری‌ها به حملات آمریکا به‌منزله رضایت دولت سوریه تلقی شده است. برخی اظهارات مقامات سوری به‌منزله رضایت ضمنی این دولت در خصوص حمله ائتلاف به رهبری آمریکا علیه مواضع داعش در خاک سوریه تلقی شده است. برای مثال، ولید معلم اظهار داشته بود: «مادامی که حملات متوجه مواضع داعش در سوریه و عراق باشد، ما خشنودیم»

1. Implied Consent or Passive Consent

(Barreto, 2014). در جایی دیگر، سخنگوی دولت سوریه اعلام می‌دارد که «ما با دشمن روبه‌رو هستیم و نیاز به همکاری داریم» (Arimatsu & Schmitt, 2014). علاوه بر استناد به این‌گونه اظهارات، به این مسائل نیز اشاره شده که وقتی آمریکا پیشتر شروع عملیات نظامی در خاک سوریه را اعلام کرد، دولت سوریه هیچ‌گونه موضع خاصی را اتخاذ نکرد و از طرف دیگر، انجام عملیات بر ضد داعش که دشمن سوریه محسوب می‌شود، سبب انتفاع این کشور نیز بوده و از این رو می‌توان به زعم برخی، نتیجه‌گیری کرد که دمشق با عملیات نظامی ضد داعش در خاک سوریه مخالفتی نداشته است (Steenberghe, 2015).

از مفهوم «رضایت منفعلانه» دولت سوریه نیز در توجیه قانونی بودن حملات ائتلاف استفاده شده است. در این خصوص اظهار شده که دولت سوریه به حملات هوایی که توسط برخی دولت‌ها از جمله ترکیه انجام گرفته بود، واکنش نشان داد. این در حالی است که پس از حملات هوایی مورخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۴ به رهبری آمریکا، مقامات سوریه عکس‌العملی نشان ندادند. بدین ترتیب، عدم اعتراض دولت سوریه را به‌عنوان رضایت منفعلانه تفسیر می‌کنند و معتقدند که رویکرد دولت اسد به حملات ائتلاف به رهبری آمریکا مشابه رویکرد مقامات پاکستانی به حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در خاک پاکستان است؛ با این توضیح که پاکستانی‌ها به‌رغم انتقادات عمومی، به‌صورت پنهانی با آمریکا همکاری داشته و حداقل به‌صورت تاکتیکی با برخی حملات پهپادهای آمریکایی در خاک پاکستان موافق‌اند (Steenberghe, 2015).

اما این‌گونه استدلال‌ها حداقل به دو دلیل قابل‌پذیرش نیست؛ اول آنکه، اساساً مفهوم رضایت ضمنی یا منفعلانه از جایگاه حقوقی برخوردار نیست؛ به‌خصوص آنکه مطابق ماده ۲۰ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت در خصوص اعمال متخلفانه بین‌المللی در این زمینه نیاز به «رضایت معتبر^۱» سوریه بوده و چنین رضایتی باید «آزادانه اعلام شده و آشکارا احراز شده» باشد؛^۲ دوم آنکه، سوابق صریح در اظهارات مقامات سوری مبنی بر لزوم کسب رضایت سوریه در حمله به داعش در خاک این کشور وجود دارد؛ از جمله ولید معلم - وزیر امور خارجه سوریه - به صراحت تأکید می‌کند که «هر گونه حمله بدون هماهنگی با دولت سوریه به‌عنوان تجاوز به این کشور تلقی خواهد شد» (Gutman, 2014). علی‌حیدر - وزیر آشتی ملی سوریه - هم یک هفته پیش از حملات موشکی آمریکا به مواضع داعش در سوریه اعلام داشت: «بدون رضایت دولت سوریه، هر عملی، به هر شکلی که صورت پذیرد، به منزله حمله به سوریه خواهد بود» (Russia Warns U.S., 2014).

1. Valid Consent

۲. در خصوص شرایط صحت رضایت رافع مسئولیت بین‌المللی دولت (که تابع اصول و قواعد حقوق بین‌الملل است)، ن.ک:

ILC, (2001), Commentaries to the draft articles on Responsibility of States for internationally wrongful acts, pp. 173-177.

در ادامه نشان داده خواهد شد که حملات ائتلاف آمریکایی به مواضع دولت سوریه نیز همانند حملات آن ائتلاف به مواضع داعش در خاک سوریه، غیرقانونی است.

حملات ائتلاف آمریکایی به مواضع دولت سوریه

برخی معتقدند در زمینه قواعد توسل به زور، مثل بسیاری دیگر از موضوعات حقوق بین‌الملل، دکترین حقوقی از روند تحول عملی قواعد بازمانده است. به‌زعم این عده، قواعد توسل به زور باید فراتر از استانداردهای وضع‌شده در دکترین، بر مبنای نهادها، رویه‌ها و انتظارات اجتماعی تحلیل و ارزیابی شوند. آنان در ادامه بحث‌های خود، حمله مورخ ۶ آوریل ۲۰۱۷ آمریکا به مواضع یا آنچه تأسیسات تولید و انباشت تسلیحات شیمیایی سوریه می‌نامند و همچنین حمله ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ آمریکا، بریتانیا و فرانسه به مواضع دولت سوریه را سابقه ای حقوقی برای تبیین استانداردهایی کلی به منظور وضع استثنایی دیگر بر بند ۴ ماده ۲ منشور که اجازه توسل به زور در موقعیت‌هایی مشابه را صادر می‌کند، مطرح ساخته‌اند (Hakimi, 15 April 2018). آنها بر این باورند که آمریکا، فرانسه و انگلیس به این مطلب واقف بودند که عملکرد آنها در حمله مورخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ به سوریه از دید بسیاری قانونی تلقی نمی‌شود، ولی آنها براساس درک خود از نظم حقوقی بین‌المللی حمله مزبور را انجام دادند (Hakimi, 27 April 2018). بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد روندی در نظام بین‌المللی در حال شکل‌گیری است که قصد بازتعریف نظم حقوقی بین‌المللی به‌طور عام و قصد تبیین قواعد توسل به زور در خارج از نظام منشور ملل متحد به‌طور خاص را دارد. بررسی استدلال‌های ارائه‌شده در توجیه حملات آمریکا و متحدانش به مواضع دولت سوریه - که در ادامه در چهار قسمت بررسی می‌شود - بیانگر بخشی از تلاش‌ها برای تفوق قدرت بر حقوق بین‌الملل در زمینه حق توسل به زور در آینده است.

۱. اقدامات تلافی‌جویانه

حمله ۶ آوریل ۲۰۱۷ آمریکا به یک پایگاه نظامی سوریه با ادعای مقابله با اقدام‌های دولت سوریه در استفاده از تسلیحات شیمیایی و به‌گفته رئیس‌جمهور آمریکا برای «توقف و پیشگیری از گسترش و استفاده از سلاح‌های شیمیایی مرگ‌آور توسط سوریه» (U.S. President, 2018)، علاوه بر نقض حقوق بین‌الملل، نقض قانون اساسی آمریکا، و مشخصاً اصل ۶ این قانون (Lederman, 2017) نیز محسوب می‌شود. در مورد حمله ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ نیز، آمریکا بدون اشاره به استدلالی حقوقی، هدف از این حمله را - آن‌گونه که رئیس‌جمهور آمریکا عنوان داشت - اقدامی به‌منظور جلوگیری از تولید، گسترش و استفاده از سلاح‌های شیمیایی معرفی کرده و این بازدارندگی را از اولویت‌های حیاتی امنیت ملی آمریکا قلمداد کرده‌اند (Hakimi, 2018). ("Syria Air Strikes", 2018).

در زمینه کاربرد اقدامات تلافی جویانه توسط آمریکا سوابق متعدد وجود دارد؛ اما نکته شایان ذکر آن است که آمریکایی‌ها در موارد قبلی سعی کرده‌اند اقدامات تلافی جویانه خود را در قالب دفاع مشروع توجیه کنند. حمله هوایی ۱۴ آوریل ۱۹۸۶ ایالات متحده به لیبی، نمونه‌ای از اعمال نظامی غیرقانونی آمریکا بود که سعی داشت اقدامات تلافی جویانه را در قالب دفاع مشروع معرفی کند. واشنگتن مدعی بود که بمباران طرابلس با رعایت کامل ماده ۵۱ صورت گرفت و بازدارندگی به عنوان بخشی از اقدام دفاع مشروع به این نحو ذکر شد: «هدف ایالات متحده نابودی تسلیحات به کار گرفته شده توسط لیبی برای انجام سیاست خصمانه‌اش در زمینه تروریسم بین‌المللی و بازداشتن لیبی از حملات تروریستی در آینده بوده است» (باقرزاده، ۱۳۸۷). در بیانیه کاخ سفید آمده بود: «با توجه به این اقدام تجاوزکارانه^۱ و قابل سرزنش و دلایل روشن حاکی از اینکه لیبی نقشه حملات دیگری در آینده را دارد، ایالات متحده به اعمال حق دفاع از خود متوسل شده است». در مورد حمله موشکی نیروهای ایالات متحده مستقر در خلیج فارس که در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۹۳ به مقر نیروهای امنیتی بغداد صورت گرفت نیز آمریکایی‌ها اقدامات تلافی جویانه خود را در قالب دفاع مشروع توجیه کردند (باقرزاده، ۱۳۸۷).

توجه به وجه تمایز میان اقدامات تلافی جویانه و دفاع مشروع، مبین وصف تلافی جویانه اقدامات آمریکا در موارد مزبور است. «در اعمال تلافی جویانه نوعی هدف تنبیهی و بازدارندگی ملحوظ است، اما در دفاع از خود، ممانعت از جرم آتی یا تنبیه متجاوزان کنونی وجود ندارد بلکه تمام توجه معطوف به توقف آن است. مشخصه دیگر اعمال تلافی جویانه، تأخیر در پاسخ و واکنش است» (باقرزاده، ۱۳۸۷). در هر حال، آمریکایی‌ها سعی در توجیه اقدام خود در قالب نظام منشور ملل متحد داشتند. اما در مورد حمله به مواضع دولت سوریه، به اقدام تلافی جویانه به صورت مشخص تری استناد کرده‌اند. به عبارتی دیگر، «آمریکایی‌ها قبلاً سعی در دستکاری حقایق، و اکنون سعی در دستکاری قانون دارند» (O'Connell, 2018).

اقدام تلافی جویانه مسلحانه آمریکا در حمله به مواضع دولت سوریه کاملاً غیرقانونی است (Milanovic, 2018)، زیرا اقدامات تلافی جویانه با استفاده از زور در تباین با منشور ملل متحد بوده، و حتی اگر به منظور اجبار طرف مقابل به پذیرش تعهدات خود انجام گرفته باشد، قانونی نخواهد بود (Milanovic, 2017). در سال ۱۹۷۰ مجمع عمومی در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها^۲ به منع به‌کارگیری اقدامات تلافی جویانه متضمن استفاده از زور اشاره دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر

۱. آمریکا مدعی بود که بمباران کلپ شبانه‌ای در برلین در ۵ آوریل ۱۹۸۶ که به کشته و مجروح شدن سربازان آمریکایی منجر شده بود، توسط لیبی صورت گرفته است (McCredie, 1987: 2016).

2. The Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States, 24 October 1970, (A/RES/25/2625).

مشورتی خود درباره قانونی یا غیرقانونی بودن کاربرد تسلیحات هسته ای، با توجه به تعلق موضوع اقدامات تلافی جویانه به نظام حقوق بشردوستانه، اقدامات تلافی جویانه مسلحانه در زمان صلح را غیرقانونی دانسته است (ICJ, 1996: para.46). شورای امنیت هم اقدام بریتانیا در بمباران فورت هریب در یمن را به عنوان اقدام تلافی جویانه غیرقانونی و در تباین با اهداف و اصول ملل متحد محکوم کرده است (S/RES/188, 1964). این شورا همچنین در قطعنامه‌های ۱۱۱ (۱۹۵۶) و ۲۲۸ (۱۹۶۶) در مورد مسئله فلسطین، قطعنامه‌های ۲۴۸ (۱۹۶۸) و ۲۷۰ (۱۹۵۶) در مورد خاورمیانه و قطعنامه ۱۳۷۸ (۲۰۰۱) (para. 2) در مورد وضعیت افغانستان اقدامات تلافی جویانه را محکوم کرده است.

۲. اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی

مقامات ائتلاف در بیانات خود به نحوی مسئله «ضرورت حمله جهت الزام به رعایت ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی» را نیز مطرح کرده‌اند. به عبارتی دیگر، یکی از نظریات ارائه شده در مورد توجیه حمله به مواضع دولت سوریه آن است که حمله متوجه آنچه تأسیسات تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی دولت سوریه نامیده‌اند، صورت گرفته است تا از تکرار و گسترش جنایات جنگی با استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط سوریه جلوگیری شود. جدای از این مسئله که اصلاً حمله مزبور تا چه اندازه می‌تواند برای اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی مفید و لازم باشد، باید توجه داشت که پذیرش چنین استدلالی فتح باب بسیار خطرناکی است که سبب می‌شود هر کشوری بخواهد به صلاحیت خود وقوع نقض کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی را تشخیص دهد، انتساب آن را احراز کند و به منظور جلوگیری از نقض کنوانسیون به حمله نظامی مبادرت ورزد. گذشته از این دلایل احتیاطی، استدلال حمله به سوریه به منظور اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی حداقل با سه ایراد حقوقی به شرح ذیل روبه‌روست:

ایراد اول بر فرض دولت‌های ائتلاف مبنی بر استفاده دولت سوریه از سلاح‌های شیمیایی وارد است؛ به عبارت دیگر، انتساب حمله شیمیایی به دولت سوریه احراز نشده، این در حالی است که سوریه و روسیه خواهان تشکیل گروه حقیقت‌یاب برای بررسی ابعاد مختلف استفاده از سلاح‌های شیمیایی در دوما واقع در سوریه بوده‌اند. هیأت حقیقت‌یاب^۱ سازمان منع سلاح‌های شیمیایی^۲ در سال ۲۰۱۴ به منظور ارزیابی حقایق در زمینه اتهامات استفاده از مواد شیمیایی در خاک سوریه ایجاد شد. کارشناسان این هیأت به درخواست دولت سوریه، با هدف بررسی اتهامات مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در ۷ آوریل ۲۰۱۸ در دوما، در ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ وارد سوریه شدند. این در حالی است که دقیقاً همان روز آمریکا به همراه متحدان اروپایی

1. Fact – Finding Mission

2. Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons

خود خاک سوریه را هدف موشک‌های خود قرار دادند. شایان ذکر است مرحله اول مأموریت گروه حقیقت‌یاب در ۴ می ۲۰۱۸ به پایان رسیده است و براساس اظهارات دبیرکل سازمان مذکور، ارائه گزارش نهایی در خصوص ادعای استفاده از سلاح‌های شیمیایی چند هفته‌ای به طول خواهد انجامید.^۱

ایراد دوم وارد بر این استدلال آن است که هیچ‌گونه هنجار حقوقی از جمله مصرات کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی را نمی‌توان با استفاده از زور خارج از چارچوب منشور ملل متحد اجرا کرد (Goldsmith & Hathaway, 2018).

ایراد سوم آن است که خود حمله ۱۴ آوریل ۲۰۱۸، که به بهانه اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^۲ صورت گرفت، در تباین با مکانیسم‌های تبیین‌شده در این کنوانسیون است. براساس ماده ۱۲ کنوانسیون مزبور، در صورت نقض آشکار، موضوع توسط کنفرانس کشورهای عضو به‌منظور جلب توجه مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد، به آنها ارجاع خواهد شد یا کنفرانس اقدامات جمعی کشورهای عضو را پیشنهاد می‌کند. همچنین کنوانسیون در ماده ۹ برای موارد مشکوک به استفاده از سلاح‌های شیمیایی، مکانیسم رایزنی، همکاری و حقیقت‌یابی را مقرر کرده است.

۳. مداخله بشردوستانه برای مقابله با کاربرد تسلیحات شیمیایی

حساسیت بسیار بالای افکار عمومی جهانی و احتیاط بسیار بالای کشورها در جلوگیری از استفاده از تسلیحات ممنوعه از جمله تسلیحات شیمیایی، زمینه را برای توجیهات غیرحقوقی از جمله اقدامات تلافی‌جویانه یا مداخله بشردوستانه فراهم کرده است. این توجیه بر این پایه استوار است که استفاده از سلاح‌های شیمیایی آستانه لازم برای مداخله بشردوستانه را فراهم کرده یا به‌عبارت دیگر، مدعی نوعی مداخله بشردوستانه جهت مقابله با کاربرد تسلیحات شیمیایی‌اند.

دفتر نخست‌وزیری بریتانیا با انتشار بیانیه‌ای، استدلال حقوقی خود در مورد حمله ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ را بر مبنای مداخله بشردوستانه بدین شکل توصیف کرد که، دولت سوریه چندین سال است به کشتار مردم کشور خود می‌پردازد و این بار پس از حمله شیمیایی ۷ آوریل ۲۰۱۸ در دوما تلفات انسانی تا حد بسیار زیادی افزایش یافته و بدین ترتیب رژیم سوریه مرتکب جنایات مایه نگرانی جامعه بین‌المللی از جمله جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت شده است. دولت بریتانیا براساس حقوق بین‌الملل، در موارد استثنایی حق مداخله بشردوستانه به منظور کاهش آلام

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص گروه حقیقت‌یاب و مأموریت آن در سوریه ن.ک:

<https://www.opcw.org/special-sections/syria-and-the-opcw/>

2. Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction, (entered into force: 29 April 1997).

مردم تحت ستم را مشروط به تأمین شرایط ذیل دارد: ۱. وجود شواهد متقن مورد قبول جامعه جهانی در کل مبنی بر رخداد فاجعه انسانی در ابعاد گسترده که مداخله را ایجاب می‌کند؛ ۲. به‌طور قطعی محرز شود که هیچ‌گونه راه‌حل عملی دیگری به‌عنوان جایگزین حمله نظامی وجود ندارد؛ ۳. استفاده از زور متناسب و از لحاظ زمان و گستره کاملاً محدود به کاهش آسیب‌های انسانی باشد. بیانیه دولت بریتانیا در ادامه با احراز شرایط مذکور در مورد قضیه سوریه، همراهی خود در ائتلاف با فرانسه و آمریکا را در چارچوب مداخله بشردوستانه عنوان می‌دارد.^۱

این در حالی است که دکتترین مسئولیت حمایت سعی دارد در کنار تبیین شرایط، لوازم و مبانی مداخله بشردوستانه، مداخله براساس مجوز شورای امنیت صورت گیرد و بدین ترتیب به بحث‌های مختلف در ادبیات و نیز رویه‌های بعضاً متناقض دولت‌ها در زمینه حق توسل یکجانبه به زور تحت عناوین بشردوستانه، پایان دهد. دخالت نظامی در چارچوب مسئولیت حمایت استثنای جدیدی بر بند ۴ ماده ۲ منشور محسوب نمی‌شود و بدین ترتیب است که برخی صاحب‌نظران معتقدند که دکتترین مسئولیت حمایت هیچ‌گونه تغییری در قواعد حقوقی بین‌المللی قابل اعمال در خصوص استفاده از زور نظامی ایجاد نکرده و از این رو مسئولیت حمایت حق قانونی برای مداخله نظامی بدون مجوز شورای امنیت ایجاد نمی‌کند (Hoffman, Nollkaemper, 2012: 157). همواره بحث و اختلاف‌نظر میان موافقان و مخالفان بر سر لزوم، مشروعیت و نحوه مداخله نظامی با هدف حمایت از انسان‌ها وجود داشته است. این اختلاف منجر به آن شد که مجمع عمومی و دبیرکل وقت سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ خواستار حل این چالش شوند و در همین زمینه دکتترین مسئولیت حمایت که پیش از آن با ابتکار کمیسیون کانادایی مطرح شده بود، در سال ۲۰۰۵ با جرح و تعدیل مورد پذیرش اجلاس سران کشورهای عضو سازمان ملل قرار گرفت (قادری و قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۰۰). دکتترین «مسئولیت حمایت» از جمله مفاهیم حقوقی نوظهور در حقوق بین‌الملل است که بر بنیادهای نظری «امنیت انسانی» و «مداخله بشردوستانه» استوار است. طرح این دکتترین امیدهای فراوانی را برای رفع نواقص و کاستی‌های مداخلات بشردوستانه مانند «گزینه‌گری» و «نیات آغشته به منافع ملی دولت‌های مداخله‌گر» برانگیخت (زمانی و نوری، ۱۳۹۱: ۲۸۸). از این رو استناد بریتانیا به مداخله بشردوستانه برای توجیه حملات ۱۴ آوریل، شروع دوباره اختلاف‌نظرهایی است که مسئولیت حمایت قصد پایان آن را داشت.

۱. در مورد بیانیه دولت بریتانیا در توجیه حقوقی حمله ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ به سوریه، ن.ک:

Policy paper published by UK Prime Minister Office in 14 April 2018, "Syria action – UK government legal position".

2. World Summit Outcome, GA Res. 60/1, (2005)

۴. نظریه «غیرقانونی؛ اما مشروع»^۱

در ادبیات مرتبط با مداخله بشردوستانه، بین قانونی بودن و مشروعیت مداخله تمایز قائل شده‌اند (Hehir, 2010: 83-104). بدین معنا که وقتی مداخله بدون رضایت کشور هدف و بدون مجوز شورای امنیت صورت گیرد ولی در عین حال مبتنی بر معیارهای موثق لزوم مداخله بشردوستانه باشد، غیرقانونی اما مشروع است. مباحثی نیز بر این مبنا مطرح شده که مداخله به‌طور همزمان می‌تواند غیرقانونی ولی از لحاظ اخلاقی توجیه‌پذیر باشد. در کنار نظریات مبتنی بر تمایز میان مشروعیت و قانونی بودن، نظریات رادیکال‌تری نیز وجود دارد که صرفاً بر مشروعیت مداخله تأکید دارند (Newman, 2009: 198-201).

وزیر امور خارجه فرانسه بدون آنکه استدلالی حقوقی برای قانون بودن حمله این کشور به خاک سوریه ارائه کند، حمله ۱۴ آوریل به تأسیسات نظامی سوریه را مشروع معرفی کرد (Goldsmith & Hathaway, 2018). گویی، فرانسوی‌ها قائل به «تمایز میان مشروعیت و قانونی بودن» حمله هستند. بحث تمایز میان مشروعیت و قانونی بودن، از زمان مداخله نظامی ناتو در کوزوو بدین‌صورت مطرح شد که «کمیسیون مستقل بین‌المللی در مورد کوزوو، حمله ناتو به کوزوو را غیرقانونی اما مشروع تلقی کرد» (Hehir, 2010: 19). اما باید توجه داشت که پذیرش این نظریه عملاً به معنی نقض غرض و تخلف آشکار از بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است؛ علاوه بر آنکه هیچ‌گونه معیار و مرجعی برای تشخیص مشروعیت حمله وجود نداشته و امکان اعمال استثنائاتی بر مبنای منافع شخصی کشورها را ایجاد می‌کند (Roberts, 2008).

نتیجه‌گیری

جنگ سوریه، شاید امروز مهم‌ترین بحران سیاسی، نظامی و انسانی زمانه باشد که هر گوشه آن، حاکی از رنج و درد مردمان این کشور و از سوی دیگر، مبین ناکارآمدی نظامات سیاسی و حقوقی بین‌المللی برای توقف این وضعیت ناگوار است. سازمان ملل و ائتلاف‌های سیاسی متنوع شکل گرفته حول محور سوریه، تلاش‌های بی‌حاصل متکثری را برای مقابله با این بحران جهانی به کار گرفته‌اند، ولی تا امروز آنچه بر جبین تاریخ زمانه ما خودنمایی می‌کند، همانا شرمندگی از مردمان سوریه است که سال‌هاست سرزمین و ملک و میراث تاریخی خود را موضوع بحث‌ها و جلسات متعددی می‌بینند که یکی پس از دیگری بی‌هیچ نتیجه عملی به پایان می‌رسند. در این میان، جنگ داخلی سوریه، آوردگاه نظامی قدرتمندانی شده که با تمسک به تفسیرهای حقوقی غیرقابل پذیرش مانند رضایت ضمنی، مداخله بشردوستانه، دفاع مشروع علیه داعش و ...، گاهی خاک این کشور را آماج حملات خود قرار می‌دهند و نه‌تنها از کرده

1. "Illegal but legitimate"

خود ابراز ندامت و پشیمانی نمی‌کنند، بلکه می‌کوشند تا اقدام خود را موجه و قانونی یا مشروع و انسانی جلوه دهند؛ توجیهاتی که در نظم حقوقی بین‌المللی کنونی جایگاهی ندارد و آنچنان که در این نوشتار بحث شد، محکوم به رد است. ولی نباید از نظر دور داشت که سکوت بیشتر کشورها و بعضاً تأییدهای جسته و گریخته آنان از یک سو و از سوی دیگر، تکرار حملاتی مانند آنچه در این مقاله مورد توجه بوده، می‌تواند بزرگ‌ترین تهدید برای بنیادی‌ترین دستاورد منشور ملل متحد یعنی همانا بند ۴ ماده ۲ در خصوص منع توسل به زور باشد. بند ۴ ماده ۲، تنها سنگ بنای صلح نیم‌بندی است که ظاهراً رو به افول دارد!

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آکهرست، مایکل (۱۳۷۲). *کلیات حقوق بین‌الملل*، ترجمه دکتر مه‌راب داراب‌پور، تهران: جهان معاصر.
۲. کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۵). *نقش زور در روابط بین‌الملل*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: فاروس.

ب) مقالات

۳. الهویی نظری، حمید (۱۳۹۴). «ارتباط‌های سیستمیک ماده ۵۱ منشور ملل متحد»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۵، ش ۲.
۴. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۷). «اقدام تلافی‌جویانه آمریکا در افغانستان در آینه حقوق بین‌الملل»، *کتابخانه دیجیتال تبیان*.
<https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/146881/1>
۵. زمانی، سید قاسم؛ نوری وحید (۱۳۹۱). «بحران غزه در ترازوی مسئولیت حمایت»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، ش ۳.
۶. زمانی، سید قاسم (۱۳۷۴). «توجیه کاربرد غیرقانونی زور در قالب دفاع مشروع»، *مجله سیاست دفاعی*، شماره مسلسل ۱۲، سال سوم، ش ۴.
۷. شریفی طراز کوهی، حسین؛ مبینی، جواد (۱۳۹۳). «تحلیل حقوقی مداخله نظامی ناتو در لیبی در پرتو دکترین مسئولیت حمایت»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ششم، ش ۳.
۸. قادری، سید محمدهادی؛ قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۲). «دکترین مسئولیت حمایت و تلاش برای مقابله با فجایع انسانی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، ش ۱.

A) Books

9. Brownlie, Ian (1963). *International law and the Use of force by states*, Oxford, Clarendon press.
10. Gray, Christine (2008). *International Law and Use of Force*, third edition, New York, Oxford University Press.
11. Hehir, Aiden (2010). *Humanitarian Intervention: An Introduction*, New York, Palgrave Macmillan.
12. Hoffman, Julia; nollkaemper, Andre (2012). *Responsibility to Protect: From Principle to Practice*, Amsterdam Pallas Publications- Amsterdam University Press.
13. Lubell, Noam (2010). *Extraterritorial use of force against non-state actors*, Oxford University Press.
14. Newman, Michael (2009). *Humanitarian Intervention confronting the contradictions*, New York, Columbia University Press.

B) Articles

15. Barreto, Joao Paulo de Mello (2014). "The Dubious Legality of Responding to ISIL", *Columbia Undergraduate law review (online)*.
16. Bethlehem, Daniel (2012). "Self-defense against an imminent or actual armed attack by non state actors" *American Journal of International Law*, Vol. 106, No. 4.
17. Brownlie, Ian (1958). "International law and the activities of armed bands" *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 7, No.4.
18. Hakimi, Monica (2015). "Defensive Force against Non-State Actors: The State of Play", *international Law Studies*, Vol.91, No. 1.
19. Khan, Bilal (2014). "The Use of Force against ISIS", *JURIST-Hotline*.
20. McCredie, Jeffrey Allen, (1987). "The April 14, 1986 Bombing of Libya: Act of Self Defense or Reprisal", *Case W. Res. J. Int'l L*, Vol: 19, Issue: 2.
21. Reinold, Theresa (2011). "State weakness, irregular warfare, and the right to self-defense post-9/11", *American Journal of International Law*, Vol.105, No. 2.
22. Roberts, Anthea (2008). "Legality v. Legitimacy: Can Uses of Force be Illegal but Justified?" chapter in: *Human Rights, Intervention, and the Use of Force*, P. Alston, E. Macdonald, eds., Oxford University Press, 2008.
23. Ruys, Tom. (2008). "Quo Vadit Jus as Bellum: A Legal Analysis of Turkey's Military Operations against the PKK in Northern Iraq", *Melb. J. Int'l L*. Vol. 9.
24. Stuart, Hannah. (2014). "the legal case for British Military Action against Islamic state in Iraq and Syria", *The Henry Jackson Society, Center for the Response to Radicalization and terrorism*, Policy paper No.2.
25. Van Steenberghe, Raphaël (2010). "Self-Defence in Response to Attacks by Non-state Actors in the Light of Recent State Practice: A Step Forward?" *Leiden journal of international law*, Vol. 23, No.1.

26. Wilmshurst, Elizabeth (2006). "The Chatham House principles of international law on the use of force in self-defence" *International & Comparative Law Quarterly*, Vol. 55, No. 4.
27. Zemanek, Karl (2013). "Armed Attack, Max Planck Encyclopedia of Public International Law", article last updated October 2013.

C) Online Articles

28. Akande, Dapo & Milanovic, Marko, (November 21, 2015), "The Constructive Ambiguity of the Security Council's ISIS Resolution", (*EJILTalk*). <https://www.ejiltalk.org/the-constructive-ambiguity-of-the-security-councils-isis-resolution/>
29. Goldsmith, Jack & Hathaway Oona, (December 21, 2018), "Bad Legal Arguments for the Syria Airstrikes", *LawFare*. <https://www.lawfareblog.com/bad-legal-arguments-syria-airstrikes>
30. Goodman, Ryan, (August 28, 2014), "International Law on Airstrikes against ISIS in Syria", *Just security*. <https://www.justsecurity.org/14414/international-law-airstrikes-isis-syria/>
31. Hakimi, Monica, (April 27, 2018), "Pigs, Positivism, and the Jus ad Bellum", *EJILTalk*. <https://www.ejiltalk.org/pigs-positivism-and-the-jus-ad-bellum/>
32. Hakimi, Monica, (2018, April 15), "The Attack on Syria and the Contemporary Jus ad Bellum", *EJILTalk*. <https://www.ejiltalk.org/the-attack-on-syria-and-the-contemporary-jus-ad-bellum/>
33. Hosseinnejad, Katayoun & Pouria Askary, (May 21, 2018), "The International Community and the Challenge to the Rule of Law: The Future of Iran Nuclear Deal", *Opinio Juris*. <http://opiniojuris.org/2018/05/21/the-international-community-and-the-challenge-to-the-rule-of-law-the-future-of-iran-nuclear-deal/>
34. Lederman, Marty, (April 6, 2017), "Why the strikes against Syria probably violate the U.N. Charter and (therefore) the U.S. Constitution", *Just Security*. <https://www.justsecurity.org/39674/syrian-strikes-violate-u-n-charter-constitution/>
35. Milanovic, Marko, (April 15, 2018), "The Syria Strikes: Still Clearly Illegal", *EJILTalk*. <https://www.ejiltalk.org/the-syria-strikes-still-clearly-illegal/>
36. Milanovic, Marko, (April 7, 2017), "The Clearly Illegal US Missile Strike in Syria", *EJILTalk*. <https://www.ejiltalk.org/the-clearly-illegal-us-missile-strike-in-syria/>
37. O'Connell, Mary Ellen, (April 12, 2018), "Unlawful Reprisals to the Rescue against Chemical Attacks?" *EJILTalk*. <https://www.ejiltalk.org/unlawful-reprisals-to-the-rescue-against-chemical-attacks/>
38. Van Steenberghe, Raphael, (October 23, 2015), "From Passive Consent to Self-Defence after the Syrian Protest against the US-led Coalition", *EJILTalk*. <https://www.ejiltalk.org/13758-2/>

D) Cases

39. ICJ, (2005), Armed Activities on the Territory of Congo (Democratic Republic of Congo v. Uganda), (Judgment of December 19).
40. ICJ, (2004), Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory opinion of July 9).
41. ICJ, (1996), Legality of the threat or use of nuclear weapons, (advisory opinion of July 8).
42. ICJ, (1986), Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. U.S.), (Judgment of June 27).
43. ICJ, (1971), Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), (Advisory Opinion of June 21).

E) UNSC Resolutions:

44. S/RES/2249 (2015), [*Threats to international peace and security caused by terrorist acts*]
45. S/RES/1973 (2011), [*The situation in Libya*]
46. S/RES/1378 (2001), [*The situation in Afghanistan*]
47. S/RES/1373 (2001), [*Threats to international peace and security caused by terrorist acts*]
48. S/RES/1368 (2001), [*Threats to international peace and security caused by terrorist acts*]
49. S/RES/678 (1990), [*Iraq-Kuwait (29 November)*]
50. S/RES/573 (1985), [*Israel-Tunisia*]
51. S/RES/270 (1969), [*Middle East*]
52. S/RES/248 (1968), [*Middle East*]
53. S/RES/228 (1966), [*The Palestine Question*]
54. S/RES/188 (1964), [*Complaint by Yemen*]
55. S/RES/111 (1956), [*The Palestine Question*]

F) Documents

56. Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction, (29 April 1997).
57. Council of Europe, Parliamentary Assembly, (2002), Recommendation 1580, "Situation in Georgia and the consequences for the stability of the Caucasus region".
58. GA Res. 60/1, (2005) World Summit Outcome.
59. ILC, (2001), Commentaries to the draft articles on Responsibility of States for internationally wrongful acts.
60. Lang, Arabella, (2015), "Legal basis for UK military action in Syria", *House Of Commons Library*, Briefing paper Number 7404.
61. Policy paper published by UK Prime Minister Office in 14 April 2018, "Syria action – UK government legal position".

62. Security Council (2008), Special research report (No. 1). Available at: www.securitycouncilreport.org
63. The Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States, 24 October 1970, (A/RES/25/2625).
64. The White House, (2014), "Letter from the President - War Powers Resolution Regarding Iraq", Office of the Press Secretary. Available at: <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2014/08/17/letter-president-war-powers-resolution-regarding-iraq>

G) News websites

65. Arimatsu, Louise & Michael Schmitt, (2014, Oct. 6), "The legal basis for the war against Isis remains contentious", *The Guardian*.
66. Bolen, Michael, (2014, Oct. 3), "Harper Says Canada Will Bomb ISIS In Syria If Murderous Despot Asks Him To", *Huffington Post Canada*.
66. "France may launch strikes in Syria in self defense: Fabius" (2015, Sep. 11), *RFI*.
67. "Full-Text: U.S. President Trump announces strikes on Syria", (April 14, 2018), *Reuters*.
68. Gutman, Roy, (2014, Aug. 25), "U.S. says airstrikes on Syria are not imminent", *McClatchy Washington Bureau*.
69. "Iran Leader Criticizes U.S. Strikes on ISIS in Syria, Calls Them Illegal", (23 Sept. 2014), *NBC News*.
70. "Obama ISIS Speech Reaction: Germany, Turkey Won't Join Airstrikes In Syria; UK Won't Rule Them Out", (2014, September 11), *International Business Times*.
71. "Russia Warns US against Strikes on Islamic State in Syria", (2014, Sep. 11), *BBC News*.
72. Sink, Justing, (2014), "white house won't commit to asking congress for Syria strike", *TheHil*.
73. "Syria air strikes: President Trump statement in full", (2018, Apr. 14), *BBC*.
74. Weller, Marc, (2015, Nov. 23), "UN resolution on IS "extraordinary step", *BBC news online*.
75. Wintour, Patrick, (2014, Sep. 4), "UK could launch strikes against Isis in Syria without Assad's support, says PM", *The Guardian*.